

بيان الدلالات القرآنية لقاعدة تقديم درء المفسد على جلب المصالح، أرضية للتحليل الانتقادي للأدلة والأسس

أبو القاسم دستوراني^١

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٥/٥١؛ تاريخ القبول: ١٤٠٤/٥/٢٤ ش]

الملخص

تعتبر قاعدة «تقديم درء المفسد على جلب المصالح» من أكثر القواعد تطبيقاً في الفقه الإسلامي، وخاصة في المسائل المستحدثة. هذا ولم تستقصى مستنداتها القرآنية استقصاء تاماً على حدته. تسعى هذه الدراسة بعد عرض سؤال «كيف تدل الآيات القرآنية على شرعية هذه القاعدة؟»، في رفع هذا الفراغ العلمي. وتمّ هذا الأمر باتخاذ المنهج الوصفي-التحليلي، وبارسة الآيات القرآنية، والمصادر التفسيرية والفقهية، والمصاديق التي تعارضت فيها درء المفسدة وجلب المصلحة، وقدم الدرع على الجلب. تشير معطيات الدراسة إلى أن يستلزم إثبات شرعية هذه القاعدة، قبول مجموعة من الأسس الأصولية، والتفسيرية، والكلامية، منها: تبعية الأحكام للمصالح والمفاسد، وحجية أفعال الملائكة، وإمكانية الاستنباط الفقهي من القصص القرآنية، ودلالة تقديم كلمات القرآن الكريم وتأخيرها على الحكم الشرعي، وسقوط التكليف عند الإكراه، وقبول التعارض بين المصلحة والمفسدة في الآيات المستند بها. ابتكرت هذه الدراسة بجمع أهم الآيات المرتبطة بالقاعدة، وتحليل مضمونها، حيث مهّدت الأرضية منهجياً لدراسة أدلة القاعدة القرآنية.

الكلمات المفتاحية: القواعد الفقهية، تعارض المصالح والمفاسد، أولوية درء المفسدة، قاعدة درء المفسدة، تقديم درء المفسدة.

١. أستاذ الدراسات العليا في الحوزة العلمية بخراسان، مشهد، إيران dastorani2435@gmail.com

تبیین دلالت‌های قرآنی قاعده «اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت»:

بستری برای تحلیل انتقادی ادله و مبانی

ابوالقاسم دستورانی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴]

چکیده

قاعده فقهی «اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت» یکی از قواعد پرکاربرد در فقه اسلامی، به‌ویژه در مسائل مستحدثه است؛ با این حال، مستندات قرآنی آن کمتر به‌صورت جامع و مستقل بررسی شده‌اند. تحقیق حاضر با طرح این پرسش اساسی که «آیات قرآن چگونه بر مشروعیت این قاعده دلالت می‌کنند؟» در پی رفع این خلأ علمی است.

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی آیات قرآن، تفاسیر و منابع فقهی، به شناسایی آیات و مواردی می‌پردازد که در آن‌ها تعارضی میان دفع مفسده و جلب مصلحت وجود دارد و در عین حال، جانب دفع مفسده مقدم شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اثبات مشروعیت قرآنی این قاعده، مستلزم پذیرش مجموعه‌ای از مبانی اصولی، تفسیری و کلامی است؛ از جمله: تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، حجیت افعال ملائکه، امکان استنباط فقهی از قصص قرآنی، دلالت تقدیم و تأخیر کلمات قرآن بر حکم شرعی، سقوط تکلیف در شرایط اکراه، و پذیرش تعارض میان مصلحت و مفسده در آیات مربوط. نوآوری این پژوهش در گردآوری مهم‌ترین آیات مرتبط با قاعده و تحلیل دلالت‌های قرآنی آن‌هاست؛ به‌گونه‌ای که زمینه‌ای روشمند برای نقد تفصیلی ادله قرآنی این قاعده فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: قواعد فقه، تعارض مصالح و مفاسد، اولویت دفع مفسده، قاعده درءالمفاسد، تقدم

دفع مفسده

۱. درآمد

براساس دیدگاه مشهور عدلیه، احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی اند؛ بدین معنا که مکلف با انجام عمل واجب به مصلحت ملزمه دست می‌یابد و با اجتناب از عمل حرام، مفسده ملزمه را از خود دفع می‌کند. با این حال، گاهی مکلف در انتخاب میان کسب مصلحت و دفع مفسده دچار تردید می‌شود؛ برای نمونه، نمی‌داند آیا اقامه نماز جمعه در عصر غیبت واجب است یا حرام. در چنین شرایطی، برای خروج از تحیر، تمسک به قواعد اصولی و فقهی ضرورت می‌یابد.

قاعده «اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت» یکی از قواعد مهم در مسائل فقهی، به‌ویژه در مسائل مستحدثه است؛ با این وجود، مشروعیت و اعتبار آن همواره در فقه اسلامی مورد تردید، ابهام و نقد بوده است؛ از این رو، اثبات مشروعیت این قاعده، به‌ویژه از طریق آیات قرآن، امری ضروری به شمار می‌رود. برای پاسخ به این پرسش کلی، لازم است ابتدا به پرسش‌های فرعی پاسخ داده شود: مفهوم مصلحت و مفسده چیست؟ اولویت مذکور در قاعده به چه معناست؟ مفاد قاعده اولویت دفع مفسده بر جلب منفعت چیست؟ در صورت تعارض میان مصالح و مفاسد، چه صورتی قابل تصور است و قاعده اولویت دفع مفسده در کدام یک از این صور جاری است؟

قاعده «اولویت دفع مفسده» از دیرباز مورد توجه فقها و علمای اصول بوده و در مباحث گوناگون اصولی، نظیر باب تخییر، اجتماع امر و نهی، تعارض و تراحم، مورد بحث قرار گرفته است (علامه حلی، ۱۴۳۰: ج ۲، ص ۶۰۳؛ انصاری، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۷۰۲؛ نمله، ۱۴۳۰: ص ۲۴۵۵؛ زحیلی، ۱۴۲۷ الف: ص ۴۳۸). این قاعده در فقه امامیه (فاضل مقداد، ۱۳۶۱: ص ۴۹۲؛ خویی، ۱۴۱۸: ج ۹، ص ۳۱۸؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ج ۶، ص ۳۶۸) و فقه عامه (البهوتی،

۱۴۲۱: ج ۸، ص ۳۰۸؛ الزحیلی، ۱۴۲۷ ب: ج ۱، ص ۲۳۸) نیز مورد توجه بوده و فقها در ابواب مختلف فقهی به آن تمسک کرده‌اند. در دوره معاصر نیز تحقیقات متعددی پیرامون قاعده اولویت دفع مفسده بر جلب منفعت انجام شده است که ازجمله جدیدترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پایان‌نامه جمیل‌العیدودی (۱۴۴۳ق) با عنوان «قاعدة درء المفسدة مقدم علی جلب المصلحة مع نماذج تطبيقية في أحكام الأسرة»: وی با رویکردی کاربردی، تأثیر این قاعده را به‌ویژه در احکام مرتبط با خانواده بررسی کرده و در بخش استدلال به آیات برای اثبات مشروعیت قاعده، به آیه ۲۱۹ سوره بقره، آیه ۱۰۸ سوره انعام و آیه ۱۰۱ سوره نساء تمسک می‌کند.
۲. مقاله علیرضا عابدی سرآسیا و سیده‌رقیه حسینی (۱۴۰۰ش) با عنوان «نقد حجیت قاعده اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت»: نویسنده در این تحقیق، ضمن مفهوم‌شناسی قاعده، ادله حجیت آن را مطرح می‌کند و مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در بیان مستندات قرآنی، به آیات ۲۱۶ و ۲۱۹ از سوره بقره و آیه ۱۰۸ از سوره انعام تمسک می‌کند.
۳. مقالات علی کمالی، حسین صابری و علیرضا عابدی سرآسیا (۱۴۰۲ش) با عنوان «بررسی و تعیین شرایط اجرای قاعده اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت» و «بررسی دلایل روایی اهل سنت در اثبات اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت» و مقاله «واکاوی رویکردها و محل نزاع در قاعده اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت از منظر فریقین»: نویسندگان محترم در مقاله اول، پس از مفهوم‌شناسی، به پنج شرط لازم برای جریان قاعده می‌پردازند؛ اما ادله حجیت آن را مطرح نمی‌کنند. در مقاله دوم، دلایل روایی اهل سنت برای اثبات مشروعیت قاعده از نظر سندی و دلالی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در مقاله سوم، نویسندگان با بیان اقوال مختلف امامیه و عامه درباره قاعده، محل نزاع در آن را تشریح می‌کنند و ضمن آن به برخی از ادله موافقان و مخالفان اشاره می‌کنند؛ با این حال، از آیات

قرآن غفلت شده و به مستندات قرآنی این قاعده اشاره‌ای نمی‌شود.

۴. مقالهٔ سمیره الحفظی (۲۰۲۳م) با عنوان «قاعدة درء المفساد مقدم علی جلب المصالح وأثرها في النوازل الطبية المعاصرة»: در این مقاله، نویسنده ضمن بررسی تأثیر قاعده در مسائل معاصر پزشکی، در بخش اثبات مشروعیت آن تنها به آیهٔ ۲۱۷ سورهٔ بقره تمسک می‌کند.

۵. مقالهٔ سحمی بن فایز بن هویدی الشهرانی (۲۰۲۴م) با عنوان «التطبيقات الفقهية لقاعدة درء المفساد مقدم علی جلب المصالح في مكان العدة»: نویسنده در این مقاله به تطبیقات قاعده در باب عده می‌پردازد و در ضمن بیان ادلهٔ مشروعیت آن، به آیات ۲۱۹ سورهٔ بقره و ۱۰۸ سورهٔ انعام تمسک می‌کند.

همان‌طور که بیان شد، در پژوهش‌های پیشین به‌طور گسترده به تفسیر و تبیین مفهوم قاعده، شرایط اعمال آن و کاربردهای مختلفش در مباحث گوناگون فقهی پرداخته شده است؛ با این حال، در بررسی حجیت قاعده یا به ادلهٔ قرآنی نپرداخته‌اند یا صرفاً به برخی از آیات اکتفا کرده‌اند. از این رو، در تحقیق پیش‌رو، مهم‌ترین آیاتی که می‌توانند مستند قرآنی این قاعده قرار گیرند، به صورت مستقل و جامع جمع‌آوری شده و سپس نحوهٔ استدلال به هر آیه بیان می‌شود. همچنین، تحلیل دلالت‌های قرآنی این آیات ارائه شده تا زمینه‌ای برای نقد و بررسی انتقادی ادله و مبانی قرآنی «قاعدهٔ اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت» فراهم گردد. در فعالیت حاضر، ابتدا تعابیر مختلف این قاعده از متون فقهی و اصولی استخراج شده و با استناد به منابع لغوی، اصولی و فقهی، واژگان کلیدی آن تبیین می‌گردد؛ سپس مفاد و مفهوم قاعده بیان می‌شود و در ادامه، مجرای اجرای آن و محل نزاع‌های موجود در قاعده مشخص می‌گردد. در نهایت، آیاتی که مستند قرآنی قاعده به شمار می‌روند، جمع‌آوری شده و دلالت هریک از آن‌ها مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به کثرت

آیات، تلاش شده است آیاتی که در عمده پژوهش‌ها کیفیت استدلال به آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته، حذف شده و تمرکز بر آیاتی باشد که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند یا در مواردی که تحلیل استدلال به آیات مشابه و نزدیک به هم بوده، ادغام شوند.

۲. مفهوم‌شناسی قاعده «اولویت دفع مفسده»

قاعده «اولویت دفع مفسده» با تعبیرات مختلف در کتب فقهی و اصولی بیان شده است که حاکی از جایگاه ویژه و ممتاز آن در فقه اسلامی است. این قاعده چهار بخش اساسی دارد: نخست، واژگانی مانند «دفع»، «درء»، «مراعاة درء» و «عناية الشارع بدرء»؛ دوم، اصطلاحاتی همچون «المفسدة»، «المفاسد»، «الشر»، «الشور»، «الضرر» و «المضار»؛ سوم، تعبیری نظیر «مقدم»، «أولی»، «أهم» و «أشد» که بر ترجیح دفع ضرر بر جلب منفعت دلالت دارند؛ و چهارم، مفاهیمی مانند «جلب المصلحة»، «جلب المصالح»، «جلب المنفعة»، «جلب الخیر»، «جلب المسار» و «تحصیل النفع».

برای مشخص شدن مضمون و مفاد قاعده، بررسی مفردات آن ضروری است؛ با این حال، از آنجا که بحث حاضر درباره مشروعیت قرآنی قاعده است و نه مفهوم‌شناسی آن، بنابراین بررسی مفهوم‌شناسی تنها به قدر ضرورت و به اختصار ارائه می‌شود.

۲-۱. قاعده

واژه «قاعده» مشتق از «قَعَدَ یَقْعُدُ قُعُوداً»، در لغت به معنای «ریشه، اساس، بنیان و پایه» آمده است. به هر چیزی که سایر امور بر آن بنا شوند و با زوال آن، بنای وابسته نیز فرو ریزد، قاعده گفته می‌شود. همچنین گفته شده است که قاعده به معنای ضابطه یا امر کلی است که بر جزئیات متعدد منطبق می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۵۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۱۹۴؛ فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۵۱۰). در تعریف قاعده فقهی، اختلاف نظر وجود دارد؛

برخی بر این باورند که قاعده فقهی عبارت است از حکم کلی فرعی که در ابواب مختلف فقه بر موارد جزئی منطبق می‌شود (بجنوردی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۵) و گروهی دیگر قائل‌اند که قواعد فقهی، احکام کلی شرعی هستند که در مسیر تشخیص وظیفه مکلف در مقام عمل به نحو تطبیقی جاری می‌شوند (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰: ج ۱، ص ۲۱).

بنابراین، منظور از اینکه «اولویت دفع مفسده» یک قاعده است، آن است که این قاعده حکم شرعی کلی است که در ابواب مختلف فقهی کاربرد دارد و به مکلف کمک می‌کند تا هرگاه میان جلب مصلحت و دفع مفسده تعارضی پدید آمد، وظیفه عملی خود را شناسایی کند.

۲-۲. دفع و درء

بین دو واژه «دفع» و «درء» از نظر لغوی قرابت معنایی وجود دارد؛ زیرا هر دو بر اقدام پیشگیرانه برای دور ساختن و جلوگیری از تحقق یک پدیده منفی دلالت می‌کنند. شاهد این مدعا، به کارگیری هر دو تعبیر «دفع المفسدة» و «درء المفسدة» از سوی محققان در توصیف قاعده اولویت دفع مفسده است. واژه «دَفْع» در لغت به معنای ازاله و دور ساختن (با قوت چیزی نامطلوب یا مزاحم)، پرداخت مال (در قبال خرید، دین یا تعهد مالی) و حمایت از خود یا دیگری در برابر هجوم یا ادعای مخالف، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۸۷). این معانی در مفهوم کلی «دور ساختن یا پاسخ دادن به چیزی» اشتراک دارند. واژه «دَرء» در لغت به معنای دفع و بازداشتن، اعوجاج و کجی، میل و انحراف از مسیر مستقیم، ظهور و بروز ناگهانی، و اختلاف و نزاع آمده است (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۵۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۰۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۷۱). بنابراین، مقصود از «دفع» و «درء» در این قاعده، اقدام پیشگیرانه مکلف برای جلوگیری از وقوع مفسده است.

۲-۳. مفسده و مصلحت

مفهوم «مفسده» و «مصلحت» در منابع لغوی و اصطلاحی نسبت به یکدیگر نقیض هستند. «مفسده» در بیشتر کتب لغت نقیض «مصلحت» و «صلاح» دانسته شده است؛ به این معنا که «صلاح» در لغت به معنای خیر، نیکی و درستی در کارها، آشتی، سازش و توافق نیز به کار رفته است. همچنین، هر چیزی که به نفع و سود مردم باشد یا مناسب و در شأن فرد باشد، «صلاح» نامیده می شود (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۵۱۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۱۲۵). در مقابل، «مفسده» به هر چیزی اطلاق می شود که موجب تباهی، خرابی، زیان، ضرر و از بین رفتن اعتدال و خروج از حد استقامت گردد؛ بنابراین، این واژه در کتب لغت دارای بار معنایی منفی است (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۱۶۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۳۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۶۳۶).

از سوی دیگر، «مصلحت» در اصطلاح فقها به معنای سود و منفعتی است که شارع حکیم برای بندگان خود در نظر گرفته است؛ مانند حفظ دین، جان، عقل، مال و نسل آنان. بر این اساس، هر آنچه که این پنج اصل را حفظ و تضمین کند، مصلحت شمرده می شود (النمله، ۱۴۲۰: ج ۳، ص ۱۰۰۳؛ غزالی، ۱۴۱۳: ص ۱۷۴).

واژه «مفسده» در اصطلاح فقها دو معنا دارد: گاه به خود ضرر، شرّ، غم و اندوه اطلاق می شود و گاه به وسایلی گفته می شود که فرد را به سمت آن ضرر یا پیامدهای منفی سوق می دهند؛ یعنی آنچه وسیله ای برای وقوع مفسده ای دیگر محسوب می شود و در نهایت به رنج و آسیب منتهی می گردد (رازی، ۱۴۱۸: ج ۶، ص ۱۷۹؛ مراد، ۱۴۴۶: ص ۲۲۲). غزالی در تعریف مفسده می گوید: «به هر امر یا عاملی گفته می شود که به از بین رفتن یا آسیب دیدن یکی از مقاصد پنج گانه - دین، جان، عقل، نسل یا مال انسان - که شارع در نظر گرفته، منجر شود» (غزالی، ۱۴۱۳: ص ۱۷۴).

برخی از فقها به جای استفاده از تعبیر مفسده و مصلحت در عنوان قاعده، از تعبیر ضرر و نفع استفاده کرده‌اند. «نفع» در منابع لغوی، به معنای سود، فایده و بهره، و در مقابل آن «ضرر» به معنای زیان، خسارت و کاستی به کار رفته است. همچنین در متون شرعی، این دو واژه در تقابل با یکدیگر استعمال شده‌اند. برای دستیابی به معانی تفصیلی می‌توان به کتب لغوی، تفسیری و فقهی مراجعه کرد (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۱۲۲؛ ج ۱۱، ص ۴۸۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۰۳، ۸۱۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۴۸۲؛ جوهری، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۷۱۹؛ ج ۳، ص ۱۲۹۲؛ بجنوردی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۲۱۴؛ وزارة الأوقاف، ۱۴۲۷ق: ج ۲۸، ص ۲۲۳).

مراد از «مصلحت» در این قاعده، هر سود یا فایده یا منفعتی است که به حفظ یا تقویت مقاصد پنج‌گانه شریعت - دین، جان، عقل، نسل و مال - می‌انجامد و در مقابل، «مفسده» به هر ضرر، زیان یا آسیبی اطلاق می‌شود که موجب از بین رفتن یا تضعیف این مقاصد گردد.

۲-۴. اولی

کلمه «اولی» اسم تفضیل از ماده «وَلِيَ، یَلِی، وِلَايَة» است و در لغت به معنای «سزاوارتر، شایسته‌تر، نزدیک‌تر، برتر، مقدم‌تر» به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۳۷۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۱۴۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ص ۴۰۷). در برخی از عبارات فقها اولویت و تقدیم دفع مفسده بر جلب منفعت با تعبیر «اهم و اشد» بیان شده است. واژه «اهم» اسم تفضیل از ریشه «ه م م» در اصل به معنای غم و اندوه، قصد و توجه قلبی است (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۷، ص ۷۶۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۸۴۵). از این رو اهم بر امری دلالت می‌کند که توجه قلبی، اراده یا نگرانی شدیدتری را برمی‌انگیزد و در مقایسه با سایر امور، نیازمند اهتمام و مراقبت بیشتری است. بنابراین، دفع مفاسد نسبت به جلب منفعت، نیازمند اهتمام و مراقبت بیشتری است.

همچنین واژه «اشد» اسم تفضیل از ریشه «ش د» در لغت به معنای محکم بودن، استواری، قوت، شدت و غلبه آمده است (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۳۹؛ جوهری، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۲۴۹). از این رو، دفع مفاسد نسبت به جلب مصالح، نیازمند اهتمام قوی تر و اولویت بالاتری در نظر شارع است. مقصود از «اولویت» در این قاعده آن است که دفع مفسده در نظر شارع نسبت به جلب منفعت رجحان دارد و شایسته توجه و اهتمام بیشتری است. بنابراین، مکلف برای دفع مفسده موظف به بذل سعی و مراقبت بیشتری است.

۲-۵. مقدم

واژه «مُقَدَّم» اسم مفعول از باب تفعیل و مشتق از ریشه ثلاثی «ق د م» است که در لغت بر مفاهیمی چون جلوتر رفتن، پیشی گرفتن، سبقت و اولویت دلالت دارد. این واژه نه تنها در بُعد زمانی (مانند تقدم در وقوع)، بلکه در بُعد رتبی و ارزشی (مانند شایستگی یا اهمیت بیشتر) نیز کاربرد دارد. از این رو، ریشه «ق د م» در مشتقات خود همواره مفاهیمی چون ابتدا، تقدم، سبقت و اولویت را بیان می کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۶۵؛ ابن منظور، ج ۱۲، ص ۴۶۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۷، ص ۵۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۶۶۰).

بی شک، قاعده دفع مفسده بر تقدم و برتری دفع ضرر نسبت به کسب مصلحت و منفعت دلالت می کند. با این حال، این برتری و تقدم آیا به معنای لزوم است یا صرفاً رجحان؟ میان فقها در این موضوع اختلاف نظر وجود دارد: برخی آن را لزوم عقلی دانسته اند، برخی دیگر لزوم عقلایی و گروهی نیز اولویت را تنها در حد رجحان تفسیر می کنند. همچنین، دسته ای میان تراحم شخصی و نوعی تفصیل تفاوت قائل شده اند؛ بدین معنا که در فرض تعارض مصلحت و مفسده شخصی، اولویت به معنای رجحان است و در فرض تعارض مصلحت و مفسده نوعیه، اولویت به معنای لزوم است (صنقر، ۱۴۲۸: ص ۱۰).

۳. مفاد قاعدهٔ دفع مفسده

با توجه به اینکه احکام شرعی بر مبنای مصالح و مفاسد تنظیم شده‌اند، گاهی میان احکامی که مبتنی بر مصلحت‌اند و احکامی که مبتنی بر مفسده‌اند، تعارضی پدید می‌آید که امکان جمع میان آن‌ها وجود ندارد. در چنین شرایطی، دفع مفسده بر جلب منفعت مقدم است؛ زیرا اعتنای عقلا و شارع به نواهی بیش از اوامر است. بنابراین، محل اعمال این قاعده در فرض تعارض مصالح و مفاسد است. مرحوم حکیم دربارهٔ مفاد این قاعده می‌گوید:

هرگاه احکامی که مبتنی بر منفعت است، با احکام دیگری که مبتنی بر دفع مفسد است با هم تزامم کنند، در این صورت، احکام حرام که مبتنی بر دفع مفسده هستند بر احکام حلال که مبتنی بر جلب منفعت هستند، مقدم می‌شوند (حکیم، ۱۴۲۹ق: ص ۱۳۹).

همچنین در برخی کتب امامیه آمده است:

هرگاه دربارهٔ امری تردید شود که آیا واجب است یا حرام، در واقع این تردید به این بازمی‌گردد که آن امر یا واجب است و دارای مصلحت، یا حرام و مشتمل بر مفسده است؛ و از آنجا که اجتناب از مفسده بر جلب مصلحت ترجیح دارد، در چنین مواردی باید آن کار را ترک کرد تا از مفسدهٔ احتمالی دوری شود، هرچند ممکن است در نتیجهٔ ترک، مصلحتی نیز از دست برود؛ اما دفع مفسده بر جلب مصلحت اولویت دارد (تسخیری، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ص ۱۷۰).

بورنوا از فقهای اهل سنت در تعریف قاعده می‌گوید: «هرگاه میان مفسده و مصلحت تعارض ایجاد شود، غالباً دفع مفسده مقدم می‌شود، مگر اینکه مصلحت غالب بر مفسده باشد» (البورنوا، ۱۹۹۶م: ج ۱، ص ۲۶۵؛ زحیلی، ۲۰۰۶ب: ج ۲، ص ۷۷۶). نووی دیگر فقیه اهل سنت در خصوص مفاد قاعده می‌گوید: «هرگاه مصلحت و مفسده بایکدیگر تعارض کنند، به نحوی که امکان جمع بین آن‌ها ممکن نباشد، جانب مهم‌تر مقدم می‌شود» (النووی، ۱۳۹۲: ج ۹، ص ۸۹).

اما در تعارض بین مصالح و مفساد، سه حالت متصور است:

۱. چنانچه مفسده از مصلحت قوی تر باشد؛
 ۲. چنانچه مصلحت از مفسده قوی تر باشد: در هر دو حالت، جانب قوی تر مقدم است و ترجیح آن امری مسلم و غیرقابل تردید محسوب می شود. این قاعده نه تنها میان فقههای امامیه و عامه مورد اتفاق است (السلمی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۹۸؛ عسقلانی، ۱۴۳۴: ص ۲۰۶؛ زحیلی، ۲۰۰۶: ب: ج ۲، ص ۷۷۵؛ خویی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۵۳؛ فاضل مقداد، ۱۳۶۱: ص ۸۴)، بلکه نزد جمیع مسلمین نیز پذیرفته شده است. افزون بر این، به نظر می رسد این قاعده نزد عقلای عالم نیز پذیرفته شده و به آن عمل می شود؛ زیرا عقل سلیم حکم می کند در تراحم مصالح و مفساد، آنچه اهمیت بیشتری دارد مقدم شود؛
 ۳. چنانچه مفسده و مصلحت از همه جهات ۱ برابر باشند و هیچ یک بر دیگری رجحان نداشته باشد، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی قائل به تخییر، برخی قائل به توقف، و گروهی دیگر از فقههای امامیه و عامه، اخذ به جانب حرمت کرده اند. آنان دلیل این رویکرد را تقدم دفع مفسده بر جلب مصلحت دانسته اند (علامه حلی، ۱۴۲۵: ج ۳، ص ۳۲۸؛ خمینی، ۱۴۱۸: ج ۳، ص ۴۲۳؛ الیوبی، ۱۴۱۸: ق: ص ۴۰۰؛ سبکی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۱۰۵؛ وکیلی، ۱۹۹۷: ص ۲۳۳).
- بنابراین، اجرای قاعده اولویت دفع مفسده منحصر به صورت سوم است و شامل صورت اول نمی شود؛ چرا که تقدیم مفسده اقوی، امری بدیهی است و ارتباطی با قاعده ندارد. بدین سان، حتی در صورت عدم تأیید اعتبار قاعده یادشده، حکم به تقدم مفسده اقوی به قوت خود باقی می ماند. از این رو، برخی از فقههای عامه در عنوان قاعده یا در توضیحات آن، تصریح به فرض تساوی کرده اند (صنعانی، ۱۹۸۶: ج ۱، ص ۱۹۸؛ مراد، ۱۴۴۶: ص ۲۹۸؛ سبکی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۱۰۵؛ الیوبی، ۱۴۱۸: ص ۴۰۰؛ وکیلی، ۱۹۹۷: ص ۲۳۳).

برخی از فقهای اهل سنت قائل به تعمیم قاعده شده‌اند؛ بدین معنا که در دو صورت از سه صورت محتمل، قائل به تقدیم دفع مفسده بر جلب مصلحت گردیده‌اند. از این رو در عنوان قاعده، قید «غالباً» را ذکر کرده‌اند تا از اطلاق همیشگی تقدیم دفع مفسده احتراز شود (سیوطی، ۱۹۹۰م: ص ۸۷؛ ابن نجیم، ۱۹۸۰م: ص ۹۰).

۴. ادلهٔ مشروعیت قرآنی قاعدهٔ دفع مفسده

در متون فقهی و پژوهش‌های معاصر، برای اثبات مبنای قرآنی قاعدهٔ دفع مفسده به آیات گوناگونی استناد شده است. بر پایهٔ پژوهش انجام شده، دست‌کم بیست‌آیه از دوازده سوره برای تأیید این قاعده مطرح گردیده است. در این پژوهش، نخست این آیات گردآوری و سپس شیوهٔ استدلال بر هر یک تبیین و تحلیل می‌شود تا بستر لازم برای نقد تفصیلی آن‌ها در پژوهش‌های آتی فراهم گردد.

۴-۱. آیات سورهٔ بقره

برای اثبات مشروعیت قاعده اولویت دفع مفسده به هفت آیه از آیات سوره بقره تمسک شده است.

یک. آیه ۳۰: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

تحلیل منطق ملائکه و پرسش همراه با شگفتی آنان، می‌تواند مؤید مشروعیت قاعدهٔ دفع مفسده تلقی شود؛ بدین گونه که پرسش آنان - که برخاسته از مقام قدسی ایشان است - نشان می‌دهد چگونه خداوند حکیم با تعیین خلیفه بر زمین، زمینهٔ بروز فساد و خون‌ریزی را فراهم می‌آورد؛ در حالی که این امر، مفسده‌ای محض به شمار می‌آید. فرشتگان بر پایهٔ

اصل عقلایی تقدم دفع مفسده بر جلب منفعت، از گماشتن انسان به خلافت الهی پرسش کردند. این گفتگو نشان می‌دهد که قاعده یادشده نه تنها نزد عقلای بشر، بلکه در منطق فرشتگان نیز - به عنوان موجوداتی عقلانی - امری بدیهی و مسلم تلقی می‌شده است و تنها در شرایطی خاص و براساس حکمتی برتر امکان نقض آن وجود دارد. استحکام این استدلال بر پذیرش چند امر مبتنی است: یکم، اجتماع مصلحت و مفسده در تعیین انسان به عنوان خلیفه؛ دوم، حجیت منطق فرشتگان به سبب تأیید ضمنی و عدم ردع آن از سوی خداوند؛ سوم، پذیرش اصل سد ذرائع، یعنی ضرورت جلوگیری از هر وسیله‌ای که منجر به مفسده می‌گردد؛ چهارم، اذعان به حکمت الهی.

دو. آیه ۱۰۴: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» بر پایه آنچه در شأن نزول آیه آمده است، مسلمانان برای فهم بهتر سخنان پیامبر ﷺ و درک روشن تر معارف ایشان، گاه از تعبیر «راعنا» استفاده می‌کردند؛ به معنای «ما را مراعات کن» یا «به ما توجه داشته باش»؛ اما این واژه در زبان عبری - زبان یهودیان مدینه - معنایی زشت و توهین آمیز داشت و به کارگیری آن به معنای «ای کودن!» یا «ای شر!» تلقی می‌شد. یهودیان از این هم صدایی سوءاستفاده کردند و به قصد تمسخر و اهانت به پیامبر ﷺ، آن را بر زبان می‌آوردند. از این رو، خداوند متعال مؤمنان را از به کار بردن این لفظ نهی کردند و به جای آن، کلمه «انظرنا» (به ما توجه کن یا ما را در نظر بگیر) را پیشنهاد داد (طبری، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۳۷۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۳، ص ۶۳۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۵۷).

استدلال به آیه یادشده بر پذیرش چند مقدمه استوار است: ۱. پذیرش اجتماع مصلحت و مفسده در کاربرد تعبیر «راعنا»؛ به این توضیح که از یک سو این تعبیر موجب فهم بهتر کلام پیامبر ﷺ بوده و در بردارنده مصلحت است، و از سوی دیگر به سبب سوءاستفاده

یهود، به توهین به پیامبر ﷺ می انجامد و دربردارنده مفسده است؛ ۲. پذیرش اصل «سَدِّ ذرائع»؛ زیرا نهی از به کارگیری این تعبیر برای جلوگیری از مفسده بزرگ‌تر، یعنی تمسخر و اهانت پیامبر ﷺ، تشریع شده است؛ ۳. وجوب پاسداشت کرامت و حرمت پیامبر اکرم ﷺ و حرمت هرگونه اهانت به ایشان؛ ۴. پذیرش این اصل که مورد، مخصّص نیست، بلکه با الغای خصوصیت می توان قاعده را تعمیم داد و در هر موردی که مصلحت و مفسده هم‌زمان اجتماع کنند، حکم به تقدیم دفع مفسده کرد.

سه. آیات ۱۸۲-۱۸۰: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

برخی بر این باورند که بر پایه این آیه، میان ترک وصیت به حال خود و اصلاح یا تغییر وصیت برای جلوگیری از ظلم به وارثان، نوعی تعارض پدید می آید. از این رو، به منظور پیشگیری از ظلم به ورثه، حکم به جواز اصلاح وصیت داده شده است. بنابراین، براساس مفاد آیه، دفع مفسده بر جلب مصلحت مقدّم دانسته شده است (ابن عربی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۱۳۷؛ الهنداوی، ۱۴۳۱: ص ۱۰۳).

استدلال به آیه یادشده مبتنی بر چند امر است: ۱. رجحان و لزوم نگارش وصیت در فرضی که حق الناس یا حق الله بر عهده انسان باشد؛ چراکه نوشتن وصیت در این موارد دربردارنده مصلحت است؛ ۲. حرمت دخل و تصرف در وصیت بدون مجوز شرعی؛ زیرا چنین تصرفی مفسده به شمار می رود؛ ۳. جواز تصرف در وصیت در صورتی که وصیت متضمن ظلم و اجحاف در حق دیگران باشد؛ ۴. پذیرش اجتماع مصلحت و مفسده در

فرضی که وصیت مستلزم ظلم به وارثان باشد؛ ۵. پذیرش قاعده «لاضرر»؛ بدین معنا که وصیت ناعادلانه موجب زیان به ورثه می شود، و بر همین اساس اصلاح وصیت برای دفع ضرر واجب خواهد بود؛ ۶. عدم اختصاص حکم به مورد وصیت؛ به این معنا که حکم مستفاد از آیه قابلیت تعمیم به موارد مشابه را نیز دارد.

چهار. آیه ۲۱۷: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزِدَّوَكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَزِدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» در آموزه های اسلامی، صلح و پرهیز از جنگ، به ویژه در ماه های حرام (رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم)، همواره مصلحتی عام به شمار می آید؛ زیرا از خونریزی و نزاع در جامعه جلوگیری می کند. با این حال، گاه سکوت و انفعال مطلق مسلمانان در این ماه ها زمینه ساز فتنه و توطئه مشرکان می شد. در چنین شرایطی، آیه شریفه با تقدیم دفع مفسده ای بزرگ تر - یعنی فتنه و پیامدهای آن - بر مصلحت پرهیز از جنگ در ماه حرام، اصل اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت را در موارد تراحم به روشنی تأیید و تأکید می کند (سعیدان، ۱۴۴۳: ص ۲۷).

این استدلال تنها با پذیرش مقدمات زیر تمام خواهد بود: ۱. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد؛ بدین معنا که اجتناب از جنگ مصلحت دارد، و در مقابل، جنگ در ماه های حرام و نیز فتنه و توطئه مشرکان در این ایام، مفسده به شمار می رود؛ ۲. اجتماع مصلحت و مفسده در فرض وقوع توطئه مشرکان در ماه های حرام؛ ۳. وجوب حفظ دین و ضرورت جلوگیری از انحراف مؤمنان؛ ۴. پذیرش قاعده «الضرورات تبيح المحظورات»؛ بدین بیان که جنگ در ماه های حرام برای جلوگیری از فتنه دشمنان

مباح خواهد بود؛ ۵. عدم اختصاص حکم به مورد آیه؛ به این معنا که حکم قابلیت تعمیم به موارد مشابه را دارد.

پنج. آیه ۲۶۳: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ»

آیه شریفه بانفی پذیرش صدقه‌ای که با منت و آزار همراه باشد، بر این نکته دلالت دارد که وجود مفسده‌ای همچون رنجاندن نیازمند، حتی اگر در کنار مصلحتی چون صدقه باشد، موجب بطلان یا کاستی در اثر آن مصلحت خواهد شد. بر این اساس، در نظام ارزشی قرآن، دفع مفاسدی مانند منت و آزار بر جلب مصلحت صدقه مقدم دانسته شده است (مراغی، ۱۳۶۵: ج ۳، ص ۳۳؛ الزحیلی، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۴۹؛ سهیلی، ۱۴۲۶: ص ۱۸۴؛ باقیس، ۱۴۳۶: ص ۸۵).

پذیرش استدلال یادشده متوقف بر قبول مقدمات زیر است: ۱. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد؛ ۲. اجتماع مصلحت و مفسده درباره صدقه‌ای که با منت و آزار همراه باشد؛ ۳. وجوب پاسداشت حقوق و کرامت شخص نیازمند؛ ۴. پذیرش اصل سد ذرایع؛ ۵. عدم اختصاص حکم به مورد آیه و قابلیت تعمیم آن به موارد مشابه.

۴-۲. آیه ۲۸ از سوره آل عمران

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»

در آیه شریفه، خداوند متعال مؤمنان را از دوستی و هم‌پیمانی با کافران به سبب پیوندهای خویشاوندی، دوستی، همسایگی و مانند آن نهی کرده است؛ از این رو، ترک موالات با کفار در بردارنده مصلحت است. با این حال، اگر مسلمان در شرایطی قرار گیرد که ترک موالات به تهدید جدی یا ضرر جانی و مالی قابل توجه بینجامد، می‌تواند با آنان اظهار دوستی کرده و

ولایتشان را بپذیرد؛ زیرا دفع مفسده‌ای چون زیان جانی، بر جلب مصلحتی همچون ترک موالات مقدّم خواهد بود (زحیلی، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۲۰۲).

پذیرش این استدلال نیز مشروط به پذیرش چند امر است: ۱. حرمت ولایت کفار و نفی استیلای آنان بر مسلمانان؛ ۲. جواز تقیه در فرض تهدید جانی و مالی قابل توجه؛ ۳. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و پذیرش اجتماع مصلحت و مفسده در فرض جواز موالات با کفار؛ ۴. پذیرش قاعده «الضرورات تبیح المحظورات».

نکته آنکه، استدلال مشابه به آیه ۱۰۹ سوره نحل نیز کاربرد دارد (زحیلی، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۲۰۲؛ الهنداوی، ۱۴۳۱: ص ۱۰۸).

۳-۴. آیه ۱۰۱ از سوره نساء

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا»

اصل اولیه در نماز این است که به صورت کامل اقامه شود؛ با این حال، در شرایط خاصی مانند وضعیت خوف در سفر، هنگامی که احتمال خطر و توطئه از جانب کفار وجود دارد، شریعت اجازه داده است که نماز شکسته خوانده شود. این رخصت شرعی، دلالت بر اولویت دفع مفسده‌ای چون فتنه بر جلب مصلحتی مانند اتمام نماز دارد (المبارک، ۱۴۲۸: ص ۱۹؛ العیدودی، ۱۴۴۳: ص ۲۴).

مقدمات موثر در پذیرش این استدلال عبارت است از: ۱. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و اجتماع مصلحت و مفسده در فرض نماز شکسته؛ ۲. اصل اولیه در نماز این است که به صورت کامل خوانده شود؛ ۳. رخصت در قصر نماز در فرض سفر و خوف از کفار؛ ۴. پذیرش قاعده «الضرورات تبیح المحظورات».

۴-۴. آیه ۱۰۷ از سوره توبه

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»

خداوند سبحان در این آیه شریفه، ساخت مسجد ضرار را مذمت کرده و از اقامه نماز در آن نهی فرمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دستور دادند که مسجد ضرار آتش زده و بقایای آن ویران شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، حکم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به تخریب مسجد، نمونه‌ای از اولویت دادن دفع مفسده بر جلب مصلحت است (حسب الله، ۱۹۷۶: ص ۳۴۷؛ سهیلی، ۱۴۲۶: ص ۱۸۳).

پذیرش این استدلال نیز مشروط بر چند امر است: ۱. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد؛ ۲. ساخت مسجد با هر نیتی، در صورتی که با هدف فتنه‌انگیزی و ایجاد تفرقه انجام شده باشد، دارای مصلحت نیست؛ ۳. در مسجد ضرار، مصلحت و مفسده هم‌زمان اجتماع کرده‌اند؛ ۴. اصل سدّ ذرایع معتبر و حجت است.

۴-۵. آیات ۷۱-۸۲ از سوره کهف

در آیات ۷۱ تا ۸۲ سوره کهف، داستان همراهی حضرت موسی با خضر علیه السلام مطرح می‌شود و وقایعی در این مسیر رخ می‌دهد که می‌توان براساس آن‌ها مشروعیت قاعده دفع مفسده را اثبات کرد. با این حال، استدلال به این داستان مشروط به پذیرش مقدماتی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و اجتماع مصلحت و مفسده در موارد سوراخ کردن کشتی، قتل پسر نوجوان و تعمیر دیوار؛ ۲. جواز استفاده از حکم فقهی براساس قصص قرآنی؛ ۳. حجیت رفتار خضر علیه السلام؛ ۴. حجیت احکام شرایع سابق و قابلیت استمرار آن‌ها در شریعت اسلام؛ ۵. الغای خصوصیت از مورد آیات؛ ۶.

پذیرش اصل سدّ ذرایع. بر فرض تمامیت این مقدمات، می‌توان مشروعیت قاعده دفع مفسده را اثبات کرد.

۴-۶. آیه ۲۵ از سوره فتح

«هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَنْبَلِّغَ مَحَلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالُ الْمُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ الْمُؤْمِنَاتِ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطْطُوهُمْ فَتَضَيَّبَكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَعْضُ عِلْمٍ لِيُدْخَلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»

در کیفیت استدلال به این آیه، دو تقریر وجود دارد:

بیان اول: آیه مربوط به صلح حدیبیه است که میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مشرکان مکه منعقد شد. در این صلح، تعارضی میان جلب مصلحت و دفع مفسده رخ داد؛ به این معنا که یا مسلمانان باید وارد مسجدالحرام می‌شدند و عمره خود را انجام می‌دادند که این اقدام به جنگ با مشرکان می‌انجامید و احتمال کشته شدن مسلمانانی که پس از هجرت مسلمان شده بودند، وجود داشت، یا باید به مدینه بازمی‌گشتند و تا فراهم شدن شرایط مناسب برای انجام عمره منتظر می‌ماندند؛ در نتیجه جان کسانی که پس از هجرت مسلمان شده بودند، حفظ می‌شد. بنابراین، تعارض میان جلب مصلحت (دخول به مسجدالحرام و انجام عمره) و دفع مفسده (حفظ جان مسلمانان تازه‌مسلمان) برقرار بود و شارع با صلح حدیبیه، دفع مفسده را بر جلب مصلحت ترجیح داد (الحارثی، ۱۴۳۷: ص ۷۶۶؛ الهنداوی، ۱۴۳۱: ص ۱۰۸).

بیان دوم: در این آیه شریفه، به خاطر حفظ مؤمنان و قرار دادن آن‌ها در دایره رحمت و اوسعۀ الهی، از عذاب کفار خودداری شده است؛ گرچه در عذاب کفار مصلحتی وجود

دارد، اما به دلیل مفسده‌ای که متوجه مؤمنان می‌شود - یعنی آسیب دیدن آن‌ها - خداوند از عذاب کفار صرف نظر می‌کند (الحارثی، ۱۴۳۷: ص ۷۶۶؛ الهنداوی، ۱۴۳۱: ص ۱۰۸).

تمامیت این استدلال نیز مشروط به پذیرش مقدمات زیر است: ۱. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد؛ ۲. پذیرش اجتماع مصلحت و مفسده در قبول صلح حدیبیه؛ ۳. عدم مشروعیت تترس در فرض مذکور؛ ۴. اثبات وجوب حفظ جان مسلمانانی که پس از هجرت در مکه اسلام آورده بودند، با تمسک به وصف رحمان و رحیم بودن خداوند؛ ۵. پذیرش قاعده «الضروریات تبیح المحظورات».

۴-۷. اثبات مشروعیت قاعده از طریق تقدیم و ترتیب بین واژگان قرآنی

علاوه بر آیات فوق، آیات دیگری نیز وجود دارند که اجمالاً کیفیت استدلال به آن‌ها مشابه است. استدلال به این آیات در مجموع مشروط بر پذیرش چند مقدمه است:

۱. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد؛ ۲. پذیرش اجتماع مصلحت و مفسده در فرض آیات؛ ۳. پذیرش استنباط حکم شرعی از ترتیب و تقدیم و تأخیر میان واژگان در آیات، به این معنا که برخی آیات حکم مبتنی بر مفسده را بر حکم مبتنی بر مصلحت مقدم داشته‌اند و این تقدیم، دلالت بر اهمیت دفع مفسده بر جلب منفعت دارد؛ ۴. پذیرش اصل سد ذرایع.

مهم‌ترین این آیات عبارت‌اند از: آیه ۷۶ سوره مائده (تقدیم لفظ «ضراً» بر لفظ «نفع»)، آیات ۱۸-۱۹ سوره توبه (تقدیم ایمان به خدا و جهاد در راه حق بر سایر امور)، آیه ۱۲ سوره ممتحنه (تقدیم امور منهی عنه بر امور مأموّره) و آیه ۸۰ سوره طه (تقدیم رفع و دفع ضررها بر جلب منفعت‌ها).

نتیجه‌گیری

برخی برای اثبات مشروعیت قرآنی قاعده دفع مفسده به آیات قرآن تمسک کرده‌اند. به نظر می‌رسد که تمامیت استدلال به کتاب متوقف بر پذیرش مقدماتی است که برخی از آن‌ها مشترک بین تمام آیات و برخی دیگر مختص به برخی آیات است. مهم‌ترین اصول و مبانی مؤثر در اثبات مشروعیت قرآنی قاعده عبارت‌اند از: ۱. حجیت ظواهر قرآن؛ ۲. تبعیت احکام از مصالح و مفاسد؛ ۳. اجتماع مصلحت و مفسده در مورد آیات؛ ۴. عدم خصوصیات مورد؛ ۵. حجیت اصل سد ذرایع؛ ۶. پذیرش قاعده «الضروریات تبیح المحظورات»؛ ۷. استفاده از حکم شرعی براساس اوصاف خداوند؛ ۸. استنباط حکم شرعی از ترتیب و تقدیم و تأخیر میان کلمات؛ ۹. استنباط حکم شرعی از قصص قرآنی.

پی‌نوشت‌ها

۱. در موارد تعارض میان مصلحت و مفسده، صور متعددی قابل تصور است؛ از جمله اینکه مصلحت و مفسده شخصیه باشند یا نوعیه، معلومه باشند یا محتمله، دنیوی باشند یا اخروی. بدین‌سان، اگر مصلحت شخصی و مفسده نوعی باشد یا بالعکس، واضح است که جانب مصلحت و مفسده نوعیه بر شخصیه مقدم است؛ و در فرض تعارض بین مصلحت معلومه و مفسده مشکوکه، هیچ تردیدی در تقدم مصلحت معلومه وجود ندارد؛ از این رو گفته شده است که مجرای قاعده، محدود به حالتی است که مصلحت و مفسده از تمامی جهات در یک رتبه قرار داشته باشند.

منابع

قرآن کریم

ابن‌اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

- ابن عربى، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، أحكام القرآن، بيروت: دارالجيل.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاييس اللغة، چاپ اول، قم: مكتب الإعلام الإسلامى.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بيروت: دار صادر.
- ابن نجيم، زين العابدين بن ابراهيم (۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م)، الأشباه والنظائر على مذهب أبي حنيفة النعمان، بيروت: دارالكتب العلمية.
- انصارى، مرتضى بن محمد امين (۱۳۸۳ش)، مطارح الأنظار، قم: مجمع الفكر الإسلامى.
- باقيس، رقيه بنت محمد بن سالم (۱۴۳۶ق)، استنباطات الشيخ محمد رشيد رضا في تفسيره جمعاً ودراسة، رسالة دكتوراه، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، كلية أصول الدين، قسم القرآن وعلومه.
- بجنوردى، حسن (۱۳۷۷ش)، القواعد الفقهية، تهران: نشر الهادى.
- البهوتى، منصور بن يونس (۱۴۲۱ق)، كشف القناع عن الإقناع، الناشر: وزارة العدل في المملكة العربية السعودية.
- البورنو، محمد بن احمد بن محمد (۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م)، الوجيز في إيضاح قواعد الفقه الكلية، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- تسخيرى، محمد على (۱۴۳۱ق)، القواعد الأصولية والفقهية، تهران: المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربية، چاپ اول، بيروت: دارالعلم للملايين.
- الحارثى، سيف بن منصور بن على (۱۴۳۷ق/۲۰۱۶م)، استنباطات الشيخ عبد الرحمن السعدى من القرآن الكريم عرض ودراسة، بيروت: دار قناديل العلم للنشر والتوزيع-دار ابن حزم.
- حسب الله، على (۱۹۷۶م)، أصول التشريع الإسلامى، مصر: دارالمعارف.
- الحفظى، سميره (۲۰۲۳م)، «قاعدة درء المفساد مقدم على جلب المصالح وأثرها في النوازل الطبية المعاصرة»، مجلة ابن خلدون للدراسات والأبحاث، ش ۳ (۷).
- حكيم، محمد تقى (۱۴۲۹ق)، القواعد العامة في الفقه المقارن، تهران: المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية.

خمینی، مصطفی (۱۴۱۸ق)، تحریرات فی الأصول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۳ق)، مصباح الأصول (مباحث حجج و أمارات)، قم: مكتبة الداوری.
خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي (ره).
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
زارعی سبزواری، عباسعلی (۱۴۳۰ق)، القواعد الفقهية في فقه الإمامية، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.

زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
زحیلی، محمد مصطفی (۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م) (الف)، الوجيز في أصول الفقه الإسلامي، دمشق: دارالخیر للطباعة والنشر والتوزيع.

زحیلی، محمد مصطفی (۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م) (ب)، القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، دمشق: دارالفکر.

زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م)، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، دمشق: دارالفکر، بیروت: دارالفکر المعاصر.

السبکی، تاج الدین عبد الوهاب بن تقي الدين (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م)، الأشباه والنظائر، بیروت: دارالکتب العلمية.
سعيدان، وليد بن راشد (۱۴۴۳ق/۲۰۲۲م)، تذكير الأمجد بأدلة وفروع قواعد المصالح والمفاسد، الاسكندرية: الدار العالمية للنشر والتوزيع.

السلمی، عبد العزيز بن عبد السلام (۱۴۱۴ق)، الفوائد في اختصار المقاصد، دمشق: دارالفکر المعاصر، دارالفکر.
سهيلي، محمد امين (۱۴۲۶ق)، قاعدة درء المفاسد أولى من جلب المصالح: دراسة تحليلية، أطروحة الدكتوراه، خارطوم: الجامعة الإفريقية العقيد أحمد درايه، كلية العلوم الاجتماعية والعلوم الإسلامية.

سيوطي، عبد الرحمن بن ابي بكر (۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م)، الأشباه والنظائر، بيروت: دارالكتب العلمية.
الشهراني، سحمتي بن فايز بن هويدى (۲۰۲۴م)، «التطبيقات الفقهية لقاعدة درء المفاسد مقدم على جلب المصالح في مكان العدة»، مجلة الأندلس للعلوم الإنسانية والاجتماعية، ش ۱۱ (۸۹).

تبيين دلالت‌های قرآنی قاعده «اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت»: بستری برای تحلیل انتقادی ادله ومبانی / ۱۷۷

صنعانی، محمد بن اسماعیل الأمير (۱۹۸۶م)، أصول الفقه المسمى إجابة السائل شرح بغية الآمل، بيروت: مؤسسة الرسالة.

صنقور، محمد علی (۱۴۲۸ق)، المعجم الأصولي. قم: الطیار.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۲ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر الطبری)، قاهره: دار هجر. عابدی سرآسیا، علیرضا؛ حسینی، سیده رقیه (۱۴۰۰ش)، «نقد حجیت قاعده اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت»، جستارهای فقهی و اصولی، ش ۷ (۲۳)، ص ۷-۴۰.

عسقلانی، عمر بن رسلان بن نصیر بن صالح الكنانی (۱۴۳۴ق)، الفوائد الجسام علی قواعد ابن عبد السلام، قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۵ق)، نهاية الوصول إلى علم الأصول، قم: مؤسسه امام صادق (ع). علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۳۰ق)، غایة الوصول وإيضاح السبل في شرح مختصر منتهی السؤل والأمل لابن الحاجب، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

العيدودی، جمیلة (۱۴۴۳ق)، قاعدة درء المفسدة مقدم على جلب المصلحة مع نماذج تطبيقية في أحكام الأسرة، رسالة الماجستير، المسيلة: جامعة محمد بوضیاف، كلية العلوم الإنسانية والاجتماعية، قسم العلوم الإسلامية.

غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المستصفی، بيروت: دارالکتب العلمية. فاضل، مقداد بن عبدالله (۱۳۶۱ق)، نضد القواعد الفقهية على مذهب الإمامية، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الكبير، بيروت: دار إحياء التراث العربي. فخر رازی، محمد بن عمر بن حسن (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)، المحصول في علم أصول الفقه، چاپ سوم، دراسة وتحقیق: طه جابر فیاض العلوانی. بيروت: مؤسسة الرسالة.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعي، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجرة. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.

کمالی، علی؛ صابری، حسین؛ عابدی سرآسیا، علیرضا (۱۴۰۲)، «واکاوی رویکردها و محل نزاع در قاعده اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت از منظر فریقین»، هشتمین کنفرانس بین‌المللی فقه،

حقوق و پژوهش‌های دینی، <https://civilica.com/doc/2037670>

کمالی، علی؛ صابری، حسین؛ عابدی سرآسیا، علیرضا (۱۴۰۲ش)، «بررسی و تعیین شرایط اجرای قاعده اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت»، هشتمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و

پژوهش‌های دینی، <https://civilica.com/doc/2037671>

کمالی، علی؛ صابری، حسین؛ عابدی، علیرضا (۱۴۰۲ش)، «بررسی دلایل روایی اهل سنت در اثبات اولویت دفع مفسده بر جلب مصلحت»، مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، ش ۳ (۶)، ص ۶۱-۸۸.

المبارک، محمد بن عبدالعزیز (۱۴۲۸ق)، قاعده درء المفسد مقدم علی جلب المصالح و تطبیقاتها الطبیة، رسالة الماجستير، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.

مراد، فضل بن عبدالله (۱۴۴۶ق/۲۰۲۵م)، القواعد الأم للفقه، دمشق: دار ابن کثیر.

مراغی، احمد بن مصطفی (۱۳۶۵ق/۱۹۴۶م)، تفسیر المراغی، مصر: مکتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق)، فقه الإمام الصادق (ع)، قم: مؤسسه انصاریان.

النمله، عبدالکریم بن علی بن محمد (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، المهدب فی علم أصول الفقه المقارن، ریاض: مکتبة الرشد.

النووی، محی‌الدین یحیی بن شرف (۱۳۹۲ق)، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

الهنداوی، حسن بن ابراهیم (۱۴۳۱ق)، «قاعده درء المفسد مقدم علی جلب المصالح: دراسة

أصولية»، مجلة الشريعة والدراسات الإسلامية، ش ۱۷.

وزارت الأوقاف والشؤون الإسلامية کویت (۱۴۰۴-۱۴۲۷ق)، الموسوعة الفقهية الكويتية، مصر: مطابع دارالصفوة.

وکیل، محمد (۱۴۱۶ق/۱۹۹۷م)، فقه الأولويات: دراسة في الضوابط، هيرندن-فیرجینیا: المعهد العالمي

للفکر الإسلامي.

اليوبی، محمد سعد بن احمد بن مسعود (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م)، مقاصد الشريعة وعلاقتها بالأدلة الشرعية،

مدينة المنورة: دار الهجرة للنشر والتوزيع.